

پروین قائمی



پدیده اسارت در تاریخ معاصر، نه صرفاً یک واقعیت نظامی یا نتیجه درگیری‌های مسلحانه، بلکه عرصه‌ای برای آزمون مرزهای انسانیت، هویت و مقاومت است. روایت‌های شهدادت‌زنده‌ماندگان، چه گزارش‌های رسانه‌ای و چه پژوهش‌های دانشگاهی — همواره با تنش میان «واقعیت میدان» و «بازنمایی عمومی» درگیر بوده‌اند. این متن بانگاهی میان‌رشته‌ای، می‌کوشد جایگاه این روایت‌ها را در بستر تاریخی و فرهنگی تحلیل کند و نشان دهد که چگونه تجربه اسارت، به‌جای شکستن اراده، گاه به تقویت آن انجامیده است. در این پژوهش، ابتدا به مرور کوتاهی بر مهم‌ترین نمونه‌های تاریخی پرداخته می‌شود؛ از نبرد صفین و اسیران آن، تا تجربیات جنگ ویتنام و جنگ الجزایر. سپس به چگونگی بازنمایی اسارت در رسانه‌ها پرداخته و نقش این روایت‌ها در شکل‌دهی افکار عمومی، بررسی می‌شود. پس از آن، به ابزارها و روش‌های پژوهشی مورد استفاده برای تحلیل این پدیده اشاره خواهیم کرد و در نهایت، از طریق قیاسه تطبیقی، سعی می‌کنیم الگوهای مشترک و تفاوت‌های مهم را شناسایی کنیم. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

سخن‌اول

چشم‌انداز اصلی تحقیقی که نتیجه آن را پیش روی دارید، تمرکز بر اسارت به‌مثابه شکلی از مقاومت است. یعنی به‌جای تصویر رایج از اسیر به‌عنوان قربانی منفعل، او را به‌عنوان کشتگری فعال در مسیر حفظ هویت، انتقال پیام حتی ایجاد تغییر معرفی می‌کنند. از همین رو، متن حاضر تلاش می‌کند روایتی جامع و تحلیلی، همراه با شواهد تاریخی و فرهنگی ارائه دهد، که کاربرد آن فراتر از مطالعات جنگ و منازعه بوده و به حوزه‌های جامعه‌شناسی، ارتباطات، و روان‌شناسی اجتماعی نیز گسترش یابد. این نوع نگاه به پدیده اسارت، ابعاد گوناگون، پربایه و تاثیرگذار آن را در دوره معاصر و حتی فرامعاصر، به نیکی عیان خواهد کرد.

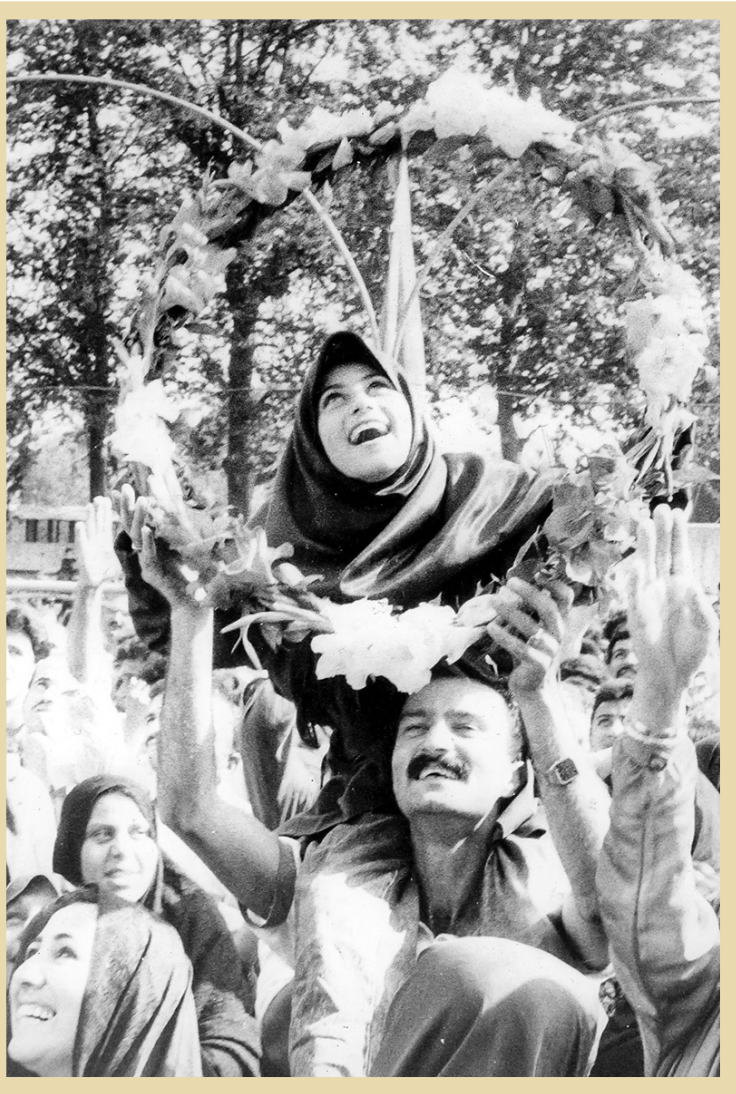
شکوه اسارت و کارگرد رسانه‌ای آن

اگر اوراق خونین تاریخ را ورق بزنیم، درمی‌یابیم که هر نبرد، همواره دو میدان داشته است: نخست میدان شمشیر، جایی که نتیجه‌ای در تقابل خون و آهن رقم می‌خورد و دوم میدان روایت، جایی که نتیجه بلندمدت ثبت می‌شود و چپ‌سام میدان دوم، سرنویشت میدان اول را هم بازنویسی و ماندگار کند. اینجا فاتحان سیر و شمشیر، غالباً قلم را هم در دست می‌گیرند و روایتی را می‌سازند، که نسل‌ها باور کنند و همچنان حق را به آنان دهند؛ مغلوبان اگر نتوانند روایت خود را حفظ کنند، حتی اگر در وجدان اخلاقی پیروز باشند، در نگاه آیندگان، شکست خورده می‌نمایند و اثری از تلاش و فعالیت‌شان باقی نخواهد ماند. اما تاریخ استثناهایی دارد و یکی از روشن‌ترین آن استثناها، کاروان اسیران کرمانست. عاشورا تنها یک روز بود، اما اسارت روزها و هفته‌ها طول کشید و در این فاصله، میدان روایت فعال‌تر از میدان جنگ شد. اگر در روز عاشورا صدای شمشیر و فریاد بود که ندای پیام حق را بلند کرد، روزهای اسارت بود که این پیام را در کوچگاه‌های کوفه، در قلب دربار پزید و در وجدان تاریخ، طنین‌انداخت. هر گامی که اسیران در زنجیر برداشتند، هم گواه مظلومیت بود، هم غلغله برای حقیقت، زینت کبری (س) و امام سجادت (ع) در حالی که جسمشان در اسارت بود، اراده و تابانشان آزاد بود و همین آزادی کوچک، برای ضربه زدن به بنای تبلیغات شام بهره بردند. خطبه‌های کوفه و شام، در برابر افکار عمومی‌ای بیان شد، که پیشتر با روایت رسمی حکومت تغذیه شده بود و همین افکار عمومی، ناگهان با تضاد کامل میان «تصویر رسمی» و «واقعیت از زبان شاهدان» مواجه شد. آنان با خطبه‌های خود، نه تنها پرده از دروغ و فریب حکومت برداشتند، بلکه روایت اصیل عاشورا را در پایگانی وجدان بشریت، موم و موم نمودند.

پدیده میدان روایت، محدود به عاشورا نیست، که بسا مصاف‌ها و روبروایی‌های مهم تاریخ را دربر می‌گیرد. جنگ صفین نمونه‌ای از همان دو میدان است، جایی که معاویه با حيله قرآن بر نیزه، فضای روایت را عوض کرد. در قرون بعد جنگ‌های صلیبی به غرب، به‌عنوان مبارز برای آزادسازی سرزمین مقدس صورت پذیرد، در تشریح، به‌عنوان حمله‌ای اشتغال‌گانه اقتصادی و جالب اینجاست که هر دو تصویر، در میدان دوم ساخته شدند. در عصر جدید، جنگ ویتنام را هم می‌توان مثال زد. جایی که از تشریح امریکان با نظر نظامی دست بالا داشت، ولی موج روایت‌های ضدجنگی که از دل رسانه‌ها و شهادت سربازان بازگشته در آمد، نتیجه را تغییر داد؛ انقلاب الجزایر که با استفاده از گزارشات میدانی و عکس‌های مستند، هویت جهانی «مظلوم مقاومت‌کننده» را تثبیت کرد. حق طلبان مورد ظلم و اجحاف اگر طالب معرفی آن به دیگری اند، به‌گزین باید اجازه دهند که دشمن میدان روایتگری را نیز در اختیار بگیرد و در آن کاری را تکرار کند، که در میدان جنگ کرده‌است.

اسارت در عصر دیجیتال

در روزگار ما، اسارت تنها به بند کشیدن جسم خلاصه نمی‌شود. نوع تازه‌ای از اسارت هست، که نامش «اسارت رسانه‌ای» است. این اسارت افکار عمومی و حافظه جمعی را، تحت قیمومت جریان‌هایی قرار می‌دهد، که راست و دروغ را در کارگاه‌های «مهندسی روایت» ورز می‌دهند؛ پخش گزینشی تصاویر، قطع و وصل عمدی جریان خبر، تولید کلان‌روایت‌های هماهنگ و استفاده از الگوریتم‌های پلنفرم‌ها، همگی شمشیرهای بی‌لبه ولی برنده این میدان‌اند! اگر شام آن روز توانست عاشورا را تا حدودی در قالب «شورش بر ظلم» بازستاند، امروز هم می‌توان با چند ساعت کار رسانه‌ای، یک افشانشام مخرب را به «اعتراض بر حق عمومی» یا «عمل‌حظ نظارت ملی» تبدیل کرد! در قدیم، ابزار روایت محدود به سخنرانی، شعر، نامه، یا نشانه‌های تصویری و انتقال روایت متکی بر حضور فیزیکی و گواهی چهره به چهره بود. امروز شبکه‌های پخش جهانی، رسانه‌های برخط و پلنفرم‌های تعاملی، میدان را از نظر گستره فراتر برده‌اند؛ ولی آسیب‌پذیری‌اش را هم در برابر دستکاری و تحریف بیشتر کرده‌اند. الگوریتم‌ها به‌جای آنکه آینه‌ی بی‌طرف



«آزادگی» و تاریخی که حافظ امنیت حال و آینده است

از اسارت دشمن تا اسارت روایات مهندسی شده!

واقعیت باشند، اولویت را به محتوای پربازدید، با تطبیق یافته با معیاف سفارش‌دهندگان می‌دهند. کارگاه‌های مهندسی روایت، با ایجاد روایت‌های موازی، ذهن جامعه را از خط اصلی منحرف و انزوی عمومی را فرسوده می‌کنند. در روزگاری رسانه‌ها، جریان جاری روایت‌ها بودند. کاروان اسرای کرمان، روایتی بود، هم‌زمان با ساخته و افکار عمومی را که در مسیرش می‌ایستاد و به صدای شفاف پیام گوش می‌داد، بیدار می‌کرد. امروز اما رسانه‌ها بستر جریان جاری پیام نیستند، بلکه خود به سدی مهندسی شده در برابر دریافت روایت‌های حقیقی توسط وجدان و تفکر، تغییر ماهیت داده‌اند. امروز هنگامی که حادثه بزرگی در جهان رخ میدهد، قبل از آنکه حقیقت به گوش مردم دنیا برسد، صفحات پر مخاطب فضای مجازی، شبکه‌های تلویزیونی و اتاقهای کرکر، روایتی‌های جعلی را ساخته و آغاز روایت‌گری کاروان، مانع اصلی در برابر تلاش‌های تحریف‌گرانه شد. هر چند کاروان اسیران کرمان، نقطه اوج نقش اسرا در حفظ حقیقت است، اما این قاعده تنها به عاشورا محدود نمی‌شود. در بدر و حنین هم بودند، اسیرانی که خدادهای واقعی را روایت کردند و حتی برخی از آنان که در اردوگاه دشمن اسیر ماندند، با گویه کردن حقایق، جانشان را به خطر انداختند و نبرد حره شاهلی که از مدینه به‌عنوان اسیر برده شدند، بعدها با نقل روایت‌های واقعی، پرده از روی جابج برداشتند و حقیقت را به تاریخ و مشتاقان آن سپردند. در جنگ‌های جهانی نیز سربازان اسیر، با وجود فشار بازجویی و شکنجه، سرنویشت حقیقی ملت‌ها را برای تاریخ پیشانی خط حقیقت ایستاده‌اند، ممکن است خبرنگاری که دوربین در میدان جنگ باشد، یا شاهدهی که حاضر می‌شود در دادگاهی عمومی شهادت دهد یا هر کس که به طریقی، خلافت‌های فضایی سانسور مدرن را درمی‌نوردد و نور حقیقت را بر واقع مکتوم برمی‌تاباند. شبانه‌شان با کاروان اسرا در این است، که خودشان بخشی از ماجرا هستند، نه تماشاگر دور. و چون هزینه روایت را شخصاً می‌پردازند، روایشان صلاح می‌یابد و راه خود را در ذهن‌ها و دل‌ها باز می‌کند.

ماشورا و کاروان اسرا، مثال کامل یاداری روایی
در سنت شیعی، عاشورا نه تنها واقعه‌ای تاریخی-مذهبی، بلکه چارچوبی برای مقاومت اخلاقی و سیاسی است. خطبه‌های زینب کبری (س) در کوفه و شام، نمونه کم‌تقریری از پاسخ هم‌زمان به افکار عمومی و قدرت

حاکم است. از یک سو بیان حقایق و مظلومیت و از سوی دیگر آشکار کردن تضاد ادعاهای رسمی، با اصول اسلامی خود حکومت. امام سجادت (ع) نیز با بهره‌گیری از زبان دعا و مناجات، پیام را به حوزه معنوی و وجدانی مردم برد، جایی که کمتر امکان سانسور وجود داشت. این شیوه نمادی از اوج قابلیت پیشوایان مذهبی ما، برای احقاق حق و ایطال باطل است.

راز ماندگاری پیام‌ها

ماندگاری یک پیام معیاری دارد، که اسارت عاشورا آن را به نیکی تحقیر بخشد؛ بیوند راوی و پیام، بهای شخصی پرداخت‌شده برای پیام و پخش آن در لحظه‌های بحرانی. تجربه نشان داده که پیام‌های بی‌روی باورمند، یا می‌میرند یا در گذر زمان، تا حد بی‌نشانی صیوروت می‌یابند. در واقعه که مهارت تکنی و آموزش، بستر پرورش نسل‌های است را منتقل کنند و روایت تحریف‌شده از روایت اصیل را دارند. تجربه موفق استفاده از فیلم‌های مستند در باره نسل‌کشی‌ها یا برپایی نمایشگاه‌های آگاهی پخش، نشان می‌دهد چگونه یک روایت می‌تواند دهه‌ها زنده بماند. امروز برخی ابزارها به سان واقعیت افزوده، می‌توانند صحنه‌های تاریخی را بازسازی کنند و مخاطب را به قلب ماجرا ببرند. آرشوهای دیجیتال باز، دسترسی آزاد به منابع را برای پژوهشگران سراسر جهان فراهم می‌کند. پلنفرم‌های مشارکتی روایت‌تولیدی، می‌دهند که صدای شاهدان ناشناس از نقاط دور هم شنیده شود. ارزش‌هایی چون صداقت، عدالت، صبر و شجاعت، در روایت اسارت به روشنی دیده می‌شوند. این ارزش‌ها، هم میان «خبر» و «لهاج» را شکل می‌دهند. خبر ممکن است فراموش شود، اما الهام باقی می‌ماند. روایت‌هایی که بعد انسانی پرتنگی دارند، بیش از سایر رویش‌ها می‌توانند به تغییرات واقعی در رفتار جمعی منجر شوند.

کلام آخر

از کر بلا تا جنگ تحمیلی هشت ساله، اسارت نه پایان مبارزه، که آغاز مرحله تازه‌ای از مقاومت بود. مرحله‌ای که در آن، شمشیر و سلاح کنار نهاده شده و زبان و قلم و حتی نگاه و سبک‌تأسیر، به سلاحی برنده تبدیل گشته‌اند! بی‌حضور این اسرا، نسل‌های بعد تنها با نسخه‌های بازسازی شده و سانسور شده از تاریخ روبه‌رو خواهند شد؛ نسخه‌ای که دشمن با دقت، برای شکل دادن به ذهن و سبک زندگی آینده آنها پیچیده است.



۱۳۶۸: نمازی از بازگشت آزادگان به وطن

پیش‌خوران

نظری بر یک زندگینامه نواتشار برای آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی

«زعیم حوزه نجف» در قرآن و نشیب‌های زمانه خویش

شاهد توحیدی



اشری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، زندگینامه‌ای نوانتشار و دوجلدی برای شادروان آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی است. این مجموعه توسط دکتر صفاءالدین تیرائیان تالیف شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته است. خبرگزاری ایبنا در باب محتوای این کتاب، به نکات بی‌امده اشارت برده است: «کتاب دو جلدی زعیم حوزه نجف، زندگی و کارنامه آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی، تالیف صفاءالدین تیرائیان، از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی به تازگی منتشر شد. حضرت آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خویی، یکی از بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین علما و فقه‌های شیعه بود. او در دوره‌ای پر حادثه و تاریخی زندگی کرد، که شاهد اتفاقات مهمی چون: تهاجم انگلیس به عراق، جنبش علما و انقلاب ۱۹۲۰، حکومت خاندان فیصل، کودتاهای متعدد، روی کار آمدن رژیم بعث و جنگ ایران و عراق بود. همچنین در دوران او، انتفاضه شعبانیه و سرکوب‌های گسترده شیعیان توسط حکومت صدام رخ داد. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، او را عالمی بزرگ، فقهی برجسته و مفسری نوآور توصیف کرده‌اند، که در طول زندگی خود، بیش از هفتاد سال به تدریس و آموزش صدها مجتهد و دانشمند پرداخت. آیت‌الله خویی با حکمت و شجاعت بسیار، تا پایان عمر از حوزة نجف اشرف - که یکی از مراکز مهم علوم دینی شیعه است - دفاع کرد و اجازه نداد که حوزه دستخوش فشارهای سیاسی و ظلم شود. تلامذه و شاگردان او که در کشورهای مختلف اسلامی پراکنده‌اند، همچنان راه علمی و فقهی استاد خود را دنبال و آموزه‌های او را، به نسل‌های

می‌دهد. روایت واقعی به وجدان جهانی برسد، به فشار دیپلماتیک، بسیج افکار عمومی، یا تغییر قوانین می‌تواند. همان‌طور که افشارگری کاروان اسرا، به ریش مشروعبیت حکومت اموی منجر شد، روایت‌گری صادقانه امروز نیز، می‌تواند پایه‌های مشروطیت حکومت‌ها یا جریان غالب امروز را تحت تأثیر قرار دهد.

بازارهای پژوهش، هنر و آموزش

توسعه و نیاز، تازمانند سه رکن مکمل است: پژوهش، هنر و آموزش. پژوهشگران باید با بررسی همه منابع (حتی منابع خصمانه)، تصویری کامل از آن بیابند. هنر مندان می‌توانند با تصویر، استعاره یا صحنه‌آرایی، بخش‌های غیر قابل بیان را منتقل کنند و آموزش، بستر پرورش نسل‌های است را مهارت تکنی و روایت تحریف‌شده از روایت اصیل را دارند. تجربه موفق استفاده از فیلم‌های مستند در باره نسل‌کشی‌ها یا برپایی نمایشگاه‌های آگاهی پخش، نشان می‌دهد چگونه یک روایت می‌تواند دهه‌ها زنده بماند. امروز برخی ابزارها به سان واقعیت افزوده، می‌توانند صحنه‌های تاریخی را بازسازی کنند و مخاطب را به قلب ماجرا ببرند. آرشوهای دیجیتال باز، دسترسی آزاد به منابع را برای پژوهشگران سراسر جهان فراهم می‌کند. پلنفرم‌های مشارکتی روایت‌تولیدی، می‌دهند که صدای شاهدان ناشناس از نقاط دور هم شنیده شود.

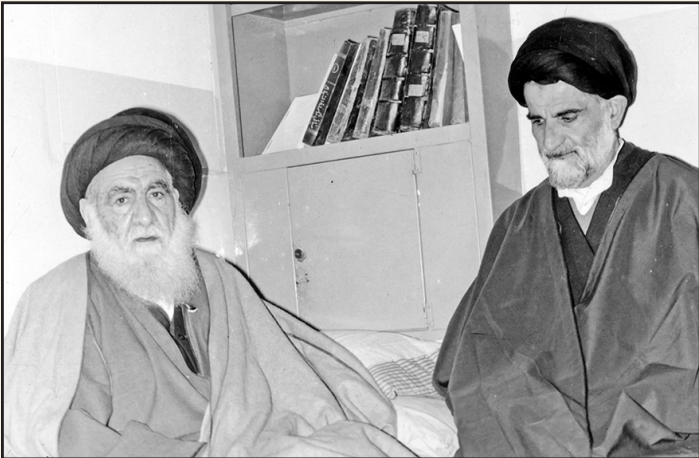
ارزش‌هایی چون صداقت، عدالت، صبر و شجاعت، در روایت اسارت به روشنی دیده می‌شوند. این ارزش‌ها، هم میان «خبر» و «لهاج» را شکل می‌دهند. خبر ممکن است فراموش شود، اما الهام باقی می‌ماند. روایت‌هایی که بعد انسانی پرتنگی دارند، بیش از سایر رویش‌ها می‌توانند به تغییرات واقعی در رفتار جمعی منجر شوند.

کلام آخر

از کر بلا تا جنگ تحمیلی هشت ساله، اسارت نه پایان مبارزه، که آغاز مرحله تازه‌ای از مقاومت بود. مرحله‌ای که در آن، شمشیر و سلاح کنار نهاده شده و زبان و قلم و حتی نگاه و سبک‌تأسیر، به سلاحی برنده تبدیل گشته‌اند! بی‌حضور این اسرا، نسل‌های بعد تنها با نسخه‌های بازسازی شده و سانسور شده از تاریخ روبه‌رو خواهند شد؛ نسخه‌ای که دشمن با دقت، برای شکل دادن به ذهن و سبک زندگی آینده آنها پیچیده است.

باشند و هم عامل وحدت و انسجام باشند، که ضروری است رسانه‌ها انسجام و وحدت ملی را با قدرت تقویت کنند. در ادامه این مراسم، صفاءالدین تیرائیان نویسنده کتاب زعیم حوزه نجف گفت: بیشترین شاگرد را در جهان اسلام این عالم زبانی تربیت کرده که هر کدام جزو مراجع بزرگ شیعه شدند. وی تصریح کرد: تالیقات آیت الله خویی بسیار زیاد است و در حال حاضر در حوزه‌های علمیه ایران و عراق، تدریس می‌شود. غلامحسین آزاد فرماندار خوی نیز، در این مراسم اظهار کرد: حضرت آیت الله العظمی خویی افتخار جهان تشیع است و این عالم ربانی، سالهای عمرش را به تربیت شاگردان و تدریس علوم دینی سپری کرد. در انتهای این مراسم نیز، اثر تازه نشر زعیم حوزه نجف زندگی و زمانه آیت‌الله العظمی خویی - که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است - با حضور رئیس این مرکز، نویسنده کتاب، علما و مسئولان شهر خوی رونمایی شد...»

در ابتدای این اثر، زندگینامه‌ای خودنوشت از آیت‌الله خویی درج شده است، که بخش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید: «من در شب ۱۵ رجب ۱۳۱۷ هجری، در شهر خوی - از شهرهای آذربایجان - به دنیا آمدم و در همان جا، در کنار پدر و برادرانم پرورش و رشد یافتم. خواندن و نوشتن و بخشی از مقدمات را به خوبی فرا گرفتم، تا اینکه در مسئله مشروطیت، اختلاف شدید میان مردم آزاد شد و به دنبال آن، پدرم در سال ۱۳۲۸ هجری به نجف اشرف مهاجرت نمود و سپس من در سال ۱۳۳۰ هجری، به همراهی برادر بزرگترم مان، به بدر پیوستیم. من به هنگامی که به نجف اشرف - دانشگاه دینی شیعه امامیه - رسیدم، به فراگرفتن علوم ادبی و منطق پرداختم و سپس کتاب‌های درسی در زمینه فقه و اصول را در نزد گروهی از بزرگان فقه و سیاسی خواندم، که از آن جمله علامه بزرگوار مرحوم پدرم بود... سپس برای مراحل بالاتر (بحث خارج) در درس مدرسین بزرگ در سال ۱۳۳۸ حضور یافتم، که نام پنج تن از



۵۰ دهه آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی در کنار فرزندش حجت الاسلام والمسلمین سید جمال‌الدین خویی

این اساتید را ذکر می‌نموم: آیت الله شیخ فتح الله، معروف به شیخ الشریعه اصفهانی آیت الله علمیه فشار آورد و بسیاری از مردم بی‌گناه را به شهادت رساند، آیت‌الله خویی نیز گرفتار سختی‌ها و آزارهای رژیم شد، با وجود شکنجه‌ها، تهدیدها و شهادت عزیزانش، او هرگز تسلیم زور و ظلم حکومت بعثی نشد و بسا صبر و مقاومت، مسیر دین و علم را ادامه داد. نهایتاً در سال‌های پایانی عمر، مظلومانه و غریبانه در نجف به دیدار معبود شافت و در حرم امام علی (ع) آرام گرفت. زندگی و فعالیت‌های علمی و دینی آیت‌الله خویی، میراثی ارزشمند برای جهان اسلام و بخصوص حوزه‌های علمیه شیعه باقی گذاشت، که تا امروز راهنمای بسیاری از علما و دانشمندان است. استفاده بیشتر از کتاب‌های او، امامیه و دیگران، از آنها روایت کند و روی همین اصل، من از طرق متعدده، کتاب‌های چهارگانه خودمان (الکافی، الفقیه، التهذیب، الاستبصار) هم و همچنین کتاب‌های جوامع الحدیث اخیر (الوسائل، الوافی، البحار و دیگر کتاب‌های اصحاب خودمان) را، نقل و روایت می‌کنم. از جمله طرق من در نقل حدیث، اجازه استادم تائینی از استادش نوری و از طریق است، که در آخر کتابش مستدرک خویی (ره) و آئین رومانی از کتاب زعیم حوزه نجف، با حضور حجت‌الاسلام و المسلمین مصطفی پورمحمدی رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صفاءالدین تیرائیان نویسنده کتاب و مردم و مسئولان خوی، در بقعه شیخ نوایی این شهر برگزار شد. در این مراسم حجت‌الاسلام پورمحمدی با اشاره به نقش اثرگذار مرحوم آیت‌الله خویی در ایجاد اتحاد در جهان اسلام، افزود: در حال حاضر نیز، نیازمند حفظ وحدت برای مقابله با توطئه‌های صهیونیسم و امریکا هستیم. رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی به نقش رسانه‌ها در جامعه کنونی اشاره کرد و گفت: امروز رسانه‌ها هم می‌توانند عامل افتراق و اختلاف

۱۳۶۸: نمازی از بازگشت آزادگان به وطن